

ایران نشان داد به دنبال دفاع مشروع است



فاطمه کلانتری
خبرنگار گروه دیپلماسی

رحمان قهرمانپور، کارشناس مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «معتقدم این عملیات «وعده صادق» به نوعی شبیه به عملیات عین‌الاسد منتها در ابعاد متفاوت و بازیگران بیشتر بود.» او تأکید کرد که ایران با شکل پاسخ نشان داده که صرفاً به دنبال دفاع مشروع است و به دنبال تشدید تنش نیست.

«ارزیابی شما از ابعاد عملیاتی که تهران آن را «پاسخ متقابل جمهوری اسلامی ایران به سلسله اقدامات رژیم صهیونیستی علیه اتباع و منافع کشورمان» نامیده است، چیست؟ ایران چه اهدافی را از این حملات دنبال کرده و آیا این اهداف محقق شده است؟

معتقدم این عملیات «وعده صادق» به نوعی شبیه به عملیات عین‌الاسد منتها در ابعاد متفاوت و بازیگران بیشتر بود؛ در عین‌الاسد نیز ایران به دنبال این بود که واکنشی نشان دهد اما در عین حال به دنبال تشدید تنش نبود، در این مورد نیز تهران عملاً با این اقدام به دنبال نمایش توان عملی خودش بود که می‌تواند اسرائیل را هدف قرار دهد اما نوع و شکل عملیات و استفاده از پهپادها، موشک‌های کروز و موشک‌های زمین به زمین، نشان داد که ایران قصد این را نداشته که بحران را گسترش دهد چرا که می‌توانست این موشک‌ها و پهپادها را هم‌زمان وارد فضای اسرائیل کند اما ناهم‌زمان بود و تاخیر زمانی میان این‌ها نشان می‌دهد که هدف ایران تنها انتقال پیام بوده و همان گونه که در بیانیه نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد آمده است، تهران در واقع این اقدام را یک دفاع مشروع از منظر بین‌الملل تلقی کرده و گفته که از نظر ایران، موضوع تمام است به این معنا که اگر اسرائیل واکنش نشان ندهد، ایران هم واکنشی نشان نخواهد داد؛ بر این اساس اگر گزارش وال‌استریت ژورنال درست باشد، تهران اطلاع داده که دیگر حملاتی صورت نخواهد داد. بنابراین اعتقاد من این است که ایران با توجه به تنگنایی که در آن قرار داشت، به این معنا که هم می‌خواست واکنش نشان دهد و هم می‌خواست این واکنش منجر به بروز جنگ نشود، چنین عملیاتی را صورت داد. حالا باید منتظر باشیم و ببینیم که آیا واکنش اسرائیل نسبت به این حملات، مانند واکنش آمریکا به حملات عین‌الاسد، خویشتندارانه خواهد بود یا تل‌آویو گام دیگری نیز بر خواهد داشت.

«میان حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت سردار زاهدی و واکنش تهران به این اقدام که طی حملات بامداد دیروز صورت گرفت، نزدیک به دو هفته فاصله وجود دارد، چه تحولاتی در این دو هفته ما را به نقطه بامداد دیروز رساند؟ آیا این تحولات در کیفیت و ابعاد واکنش تهران مؤثر بود؟

آن چیزی که رخ داد این بود که اولاً آمریکا تمام تلاشش را به کار گرفت تا از تشدید دامنه بحران جلوگیری کند؛ اطلاعاتی که آمریکایی‌ها مبنی بر انجام عملیات از سوی ایران منتشر کردند نیز در همین راستا بود. از سوی دیگر نیز شاهد بودیم که علاوه بر ایالات متحده، کشورهای دیگری نیز همچون آلمان و فرانسه و همچنین کشورهای منطقه‌ای که دوست ایران بودند، به نوعی تلاش کردند تا دامنه بحران تشدید نشود و از تهران خواستند تا اقدامی انجام ندهد. ایران در همین چارچوب مجموعه اقدامات دیپلماتیکی را در دستور کار قرار داد و آقای امیرعبداللهیان سفری منطقه‌ای به سوریه و عمان داشت تا با متحدان و دوستان خود هماهنگ کند تا در همین راستا واکنش نشان دهد و در عین حال باعث گسترش جنگ نشود. البته تأکید دارم که همچنان باید منتظر باشیم. در نتیجه مجموعه‌ای از بازیگران در این موضوع وارد شدند تا این وضعیت رخ داد. اینکه ایران چرا اینگونه عمل کرد، به اعتقاد من تهران را ارزیابی ریسک کار، با مطلع کردن متحدان و دوستان خودش و پیام‌هایی که به آمریکا و کشورهای منطقه ارسال کرد، مطمئن شد که این اقدامش منجر به وقوع جنگ نخواهد شد. تاخیر ایران در اجرای این حملات و واکنش به اسرائیل بیشتر در این راستا بود تا نشان دهد که به دنبال تشدید درگیری یا جنگ نبوده و به دنبال دفاع مشروع است.

«با توجه به اینکه حملات مستقیم ایران علیه خاک اسرائیل در ادامه عملیات ۷ اکتبر و تحولات پس از آن به نقطه عطفی در تحولات سال‌های اخیر خاورمیانه تبدیل شده است، آیا از صبح دیروز با منطقه جدیدی روبه‌رو هستیم؟ آیا در این راستا تحول جدیدی در میدان نبرد شاهد خواهیم بود؟

به هر حال ما باید از سطح این فضای سیاسی و رسانه‌ای و فضای رسانه‌ای کمی فراتر برویم؛ طبیعتاً در فضای رسانه‌ای و عملیات روانی شاید این مسئله بر جسته شود و دیدیم که برخی از ظهور خاورمیانه جدید سخن می‌گویند. معتقدم با توجه به نتایج عملی این عملیات، تغییر چندانی در مناسبات خاورمیانه شاهد نخواهیم بود، صراحتاً با ظهور یک خاورمیانه جدید مواجه نیستیم بلکه همان مقطع ۷ اکتبر یا

طوفان الاقصی بود که فضای خاورمیانه را تغییر داده و البته آن هم در واقع نتوانست معادلات اساسی را دست‌خوش تغییر کند؛ و همچنان به دنبال عادی‌سازی با اسرائیل است و همچنان آمریکا می‌خواهد بحران در منطقه تشدید نشود. بنابراین من می‌گویم حمله‌ای که منجر به کشته شدن شهروندان اسرائیلی و واکنش سریع و فوری این رژیم نشده، نشان می‌دهد که این عملیات خیلی تأثیرات عمیقی در منطقه نخواهد داشت به شرط اینکه اوضاع همین گونه پیش برود و اسرائیل هم در چارچوب عدم تشدید تنش حرکت کند، در غیر این صورت اگر اسرائیل تصمیم به اتخاذ واکنش سخت بگیرد، بله این امکان وجود دارد که شرایط نوع دیگری پیش برود. تاکنون اما با توجه به تحولات و با توجه به آمادگی اسرائیل و مشارکت آمریکا، فرانسه، انگلیس و اردن در رهگیری موشک‌ها، این عملیات بیشتر شبیه به عملیات عین‌الاسد بوده و دو طرف بیشتر در پی آن بودند تا فضای داخلی خود را مدیریت کنند اما طبیعتاً نوع واکنش اسرائیل بسیار مهم خواهد بود.

«موضوع گروه‌هایی که غرب، آن‌ها را نیروهای نیابتی ایران می‌نامد یکی از چالش‌های مهم جمهوری اسلامی ایران در مناسبات منطقه‌ای است و این‌گونه تحلیل می‌شود که تهران در بزنگاهی از این گروه‌ها برای اهداف مشخصی که گاهی از آن با عنوان بقای جمهوری اسلامی یاد می‌شود، استفاده خواهد کرد. در ساعات در همین بزنگاه بود. شما عملکرد این گروه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد که ایران هنوز تصمیم نگرفته که در سطح استراتژیک با اسرائیل درگیر شود و این مسئله بیشتر ناشی از همان چیزی است که از آن با عنوان «احیای قدرت بازدارندگی» یاد می‌شود. البته این موضوع به معنای توازن نیست چرا که مسئله توازن قوا یک مسئله دیگری است و کشوری مانند ایران که تحریم است با بازیگری مانند اسرائیل که تسلیحات نظامی مثل جنگنده اف-۳۵ و سنگرشکن‌ها را از آمریکا دریافت می‌کند، قابل مقایسه نیست و به لحاظ فنی موضوعیت ندارد. بنابراین ایران به دنبال بر خورد استراتژیک با اسرائیل نیست و به همین دلیل گروه‌های نیابتی ایران در منطقه نیز در سطح استراتژیک وارد درگیری با اسرائیل نشدند و نوع واکنش آن‌ها تقریباً همان چیزی بود که از چهار ماه گذشته شاهدش بودیم که شامل شلیک راکت‌هایی است که حزب‌الله لبنان به سمت اسرائیل شلیک کرد یا پهپادهایی که فرستاده شد. البته ما هنوز اطلاع دقیق نداریم و ممکن است برخی پهپادها یا موشک‌ها بامداد دیروز از مبدائی غیر از ایران حرکت کرده باشند. در هر صورت اما مسئله مشخص این است که گروه‌های مقاومت، اقدامی متفاوت از آنچه در گذشته صورت داده‌اند را از خود بروز ندادند و همانطور که بیانیه ایران هم نشان می‌دهد، تهران بیشتر در چارچوب اقدام متقابل و احیای قدرت بازدارندگی خودش این حملات را صورت داده تا اینکه بخواهد ضربه واقعی به اسرائیل بزند یا تنش و درگیری با اسرائیل را تا سطح استراتژیک افزایش دهد.

«در این ساعات پس از حملات ایران، سناریوهای پیش رو چیست؟ سناریوی اول این است که اسرائیل واکنش نشان ندهد و موضوع حداقل تا یک یا دو ماه آینده به همین نقطه ختم شود و دیگر اسرائیل از خطر قرمز ایران عبور نکند که این سناریوی خوشبینانه است. یک سناریوی بدبینانه این است که اسرائیل در اقدامی خیلی شدیدتر از آنچه در قبال کنسولگری ایران انجام داده، بخواهد وارد عمل شده و سطح تنش را تشدید کند که در این صورت ما با سناریوهای ریزتری مانند امکان حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران و متقابلاً اقدام تهران برای استفاده از حزب‌الله مواجه هستیم. در این سناریوی خیلی بدبینانه، واکنش اسرائیل ممکن است منجر به ایجاد یک جنگ تمام‌عیار در منطقه و حتی ورود آمریکا به جنگ شود. با این حال ما در سناریوپردازی همواره می‌گوئیم که نه بدبینانه‌ترین و نه خوشبینانه‌ترین سناریو رخ خواهد داد. در این سناریوی بدبینانه، آنچه رخ می‌دهد این است که اسرائیل واکنش محدودی نشان می‌دهد و ممکن است تأسیسات نظامی ایران در سوریه هدف این عملیات واکنشی قرار بگیرد یا اقدامی مشابه آنچه ایران صورت داد را در دستور کار قرار دهد تا آسیب جانی در پی نداشته باشد و دو طرف بازی برد-بردی را در پیش بگیرند تا در ادامه ببینیم چه رخ خواهد داد. در کل معتقدم آنچه رخ خواهد داد این است که دو طرف از سطح نزاع عبور کرده‌اند و بعید می‌دانم اسرائیل بخواهد اقداماتی را که در قبال ایران انجام داده، متوقف کند و فراموش نکند که اسرائیل در یکی، دو سال گذشته ایران را به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید امنیت ملی خودش معرفی کرده است که فراتر از حماس و حزب‌الله قرار دارد و این مساله مهمی است که نشان می‌دهد همانطور که برخی تحلیلگران اسرائیلی می‌گویند، تل‌آویو خود را در جنگ دائمی با ایران و نه نیابتی‌ها می‌بیند؛ بنابراین بعید می‌دانم این سیاست علیه تهران را کنار بگذارد ضمن اینکه اسرائیل بعد از ۷ اکتبر عملاً وارد جنگ شده و در شرایطی است که نیروهای ذخیره خود را فراخوانده و این در حالی است که ایران نمی‌خواهد وارد شرایط جنگی شود و به همین دلیل نیز محدودیت‌های تهران بیشتر است و بنابراین برای مهار مخالفین خود و بقای خود به حفظ فضای بحرانی و تشدید بحران نیاز دارد.



دلیل تحریم همکاری هسته‌ای ایران و روسیه

نشریه «واشنگتن فری‌پیکن» بامداد شنبه خبر داد، دولت «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا معافیت تحریمی همکاری‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و روسیه را برای سال جاری میلادی «تمدید» نکرده، اما متعهد به اعمال تحریم علیه این همکاری‌ها نیز نشده است. آخرین بازبینی ۶ ماهه معافیت‌های تحریم‌های ایران در اوت ۲۰۲۲ انجام شد و به نظر می‌آید این معافیت‌ها از ابتدای سال ۲۰۲۴ منقضی شده است. تمدید نشدن معافیت‌های هسته‌ای برای ایران در همکاری با روسیه در حالی است که در یکی دو سال اخیر مقامات ایران با همکاری روسیه برای توسعه سه راکتور جدید، دو راکتور در نیروگاه اتمی بوشهر و تکمیل فاز اول نیروگاه اتمی دارخوین اقدام کرده‌اند. طبق متن برجام، کشورهای امضاکننده این هسته‌ای صلح‌آمیز در پروژه‌های راکتور تحقیقاتی اراک و تأسیسات فردو، راکتور تحقیقاتی تهران و نیروگاه اتمی بوشهر همکاری کنند، اما با روی کار آمدن «دونالد ترامپ» و خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، این معافیت‌ها در مه ۲۰۲۰ به‌عنوان بخشی از برنامه این دولت برای «فشار حداکثری» لغو شدند. بعد از آن که بایلدن در سال ۲۰۲۰ توانست وارد کاخ سفید شود، این معافیت‌ها مجدداً صادر شد. این معافیت‌ها برای پروژه‌هایی است که ایران با همراهی کشورهای عضو برجام به‌ویژه چین و روسیه قرار بود انجام دهد.

برخی کارشناسان بر این نظریه‌اند که تمدید نکردن معافیت‌های هسته‌ای برای روسیه از سوی آمریکا در حالی که دو کشور در بحران اوکراین دست به گریبان هستند، قابل انتظار بود اما اینکه آمریکا اعلام کرده است قصد اعمال تحریم بر همکاری هسته‌ای روسیه و ایران در صورت ادامه روابط در این حوزه را ندارد، مشخص نیست و سوال برانگیز است. این اقدام دولت بایلدن در حالی است که قانون‌گذاران آمریکایی از برنامه ایران برای توسعه پروژه‌های هسته‌ای‌اش انتقاد می‌کنند و جمهوری خواهان نیز بر این عقیده هستند که با عدم اعمال تحریم علیه همکاری‌های هسته‌ای میان روسیه و ایران، کاخ سفید عملاً چشم‌خود را بر روی این همکاری‌ها بسته است.

ادامه سر مقاله

واقعیت این است که اصل پذیرش حق وتو به منزله نهادینه کردن نابرابری حقوقی بود و تاکنون نیز مانع جنگ نشده است. آنچه که مانع جنگ جهانی سوم شده، توازن وحشت ناشی از تسلیحات ویرانگر اتمی است. علت نیز در فقدان بی‌طرفی حتی نسبی شورای امنیت نسبت به منافع اعضای دائمی به‌ویژه ایالات متحده است. به همین دلیل شاهد آن بوده‌ایم که عملکردهای این شورا برخلاف وظایف تعیین‌شده نهنتها به تأمین صلح منجر نشد بلکه برعکس در موارد فراوانی جنگ را تشدید هم کرده است. شواهد فراوان در اثبات این ادعا وجود دارد که آخرین آنها، سکوت در برابر جنایات اسرائیل در حمله به غزه است که قطعنامه‌های آن با وتوی غرب و به‌ویژه آمریکایی‌ها مواجه شد و قطعنامه اخیر هم گرچه ضعیف بود ولی حتی همان را هم آمریکا غیرالزام‌آور دانسته و از این طریق جنایات اسرائیل را ندوام بخشیدند. این تجربه برای ایران تاکنون چندبار تکرار شده است. در جنگ تحمیلی دستور عقب‌نشینی را به عراق به‌عنوان آغازگر جنگ ندادند تا جنگ در همان آغاز متوقف شود. هنگامی که صدور قطعنامه ۵۹۸ رسیدند که در عمل توان چندانی برای طرفین و به‌ویژه عراق برای ادامه جنگ نمانده بود. دومین بار نیز در ماجرای حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق شاهد چنین رفتاری بودیم. اگر این شورا به وظیفه خود در جهت حفظ صلح و جلوگیری از جنگ عمل می‌کرد به‌طور قطع باید اسرائیل را محکوم می‌نمود. شاید در این صورت نیازی به پاسخ دادن از سوی ایران نمی‌بود ولی با عبور از کنار این حمله تجاوزکارانه؛ دانسته یا نادانسته‌راهی جز پاسخ متقابل برای ایران نگذاشتند و در نتیجه حملات صبح یکشنبه پاسخی بود به این اقدامات ناقض امنیت و صلح در منطقه. اکنون نیز فرصت جدیدی برای این شورا پیش آمده و اگر این بار هم طرف ایالات متحده و اسرائیل گرفته شود و به‌جای محکوم کردن متجاوز، اقدام به محکومیت طرف دفاع‌کننده شود و از اتخاذ موضعی متوازن دوری کند و زمینه و مشروعه‌ی را برای اقدام احتمالی اسرائیل فراهم نماید، در این صورت باید گفت که این شورا در نقطه مقابل وظایف ذاتی خود در حرکت است. قاعدتاً تا پایان جلسه امروز شورا باید منتظر بود و دید که شورای امنیت به‌طور نسبی هم که باشد، از این آزمون جدید آیا موفق بیرون خواهد آمد یا همچنان بر مدار گذشته حرکت کرده و مشوق نامنی و جنگ در منطقه خواهد بود.



چنین موضعی را می‌توان به صراحت در اظهارات فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صداوسیما مشاهده کرد که تأکید کرد: «اما عملیات محدودی انجام دادیم و این عملیات در حد و اندازه شرارت‌های رژیم صهیونیستی بود ولی می‌توانست گسترده باشد؛ این عملیات را محدود کردیم به آن بخش از توانایی‌هایی که رژیم صهیونیستی برای حمله به سفارت ما از آن استفاده کرده بود.»

۴ جذب حمایت بین‌المللی: اقدام نظامی بامداد یک‌شنبه ایران با واکنش بسیار گسترده بین‌المللی مواجه شد و کمتر قدرت جهانی و بازیگر منطقه‌ای بود که بلافاصله واکنشی رسمی نسبت به این اقدام نشان ندهد. بیانیه‌های صادرشده از سوی کشورهای جهان را به‌صورت کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته نخست، کشورهایی که خواستار خویشتن‌داری و توقف فوری تنش‌ها شدند؛ دسته دوم، کشورهایی که نسبت به تنش‌های جاری در منطقه و گسترده‌تر شدن جنگ اظهار نگرانی کردند؛ دسته سوم، کشورهایی که بدون اشاره به اقدام نظامی اسرائیل علیه کنسولگری ایران در دمشق، اقدام نظامی ایران را محکوم کردند. دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ایران وظیفه دارد تلاش کند مواضع تمامی کشورهایی را که نسبت به این واقعه موضع‌گیری کردند، به مواضع خود نزدیک‌تر کند، یعنی تلاش کند تا مواضع دسته نخست را به سمت محکوم کردن اسرائیل برای آغاز تنش تمایل دهد، دسته دوم را به سمت موضع‌گیری برای خویشتن‌داری اسرائیل و توقف تشدید تنش توسط اسرائیل میل دهد و کاری کند که دسته سوم از محکوم کردن ایران دست بردارند. رسیدن به این هدف نیازمند کارزار گسترده دیپلماتیک و تماس و مذاکره دائم با کشورهای است که در مورد اقدام نظامی بامداد یک‌شنبه موضع‌گیری کرده‌اند.

۵ تمرکز مجدد بر جنگ غزه: تردیدی وجود ندارد که رژیم اسرائیل از نتایج منازعه روزهای گذشته برای انحراف توجه جهانی از جنایاتش در غزه استفاده خواهد کرد. این در حالی است که جنگ غزه با بیش از ۳۳ هزار کشته، ده‌ها هزار مجروح و صدها هزار نفر آواره، همچنان ادامه دارد. علاوه بر حملات روزمره اسرائیل به نوار غزه، در هفته‌های اخیر قحطی رو به گسترش و بیماری‌های واگیردار در حال قربانی گرفتن از میان فلسطینیان است. جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند با همکاری کشورهای عربی و مسلمان و دیگر حامیان فلسطین در جامعه جهانی، همچنان تمرکز و توجه افکار عمومی جهان را بر جنگ غزه حفظ کند و اجازه ندهد که هدف اسرائیل برای پنهان کردن جنایاتش در غزه و جذب حمایت بین‌المللی میسر شود.